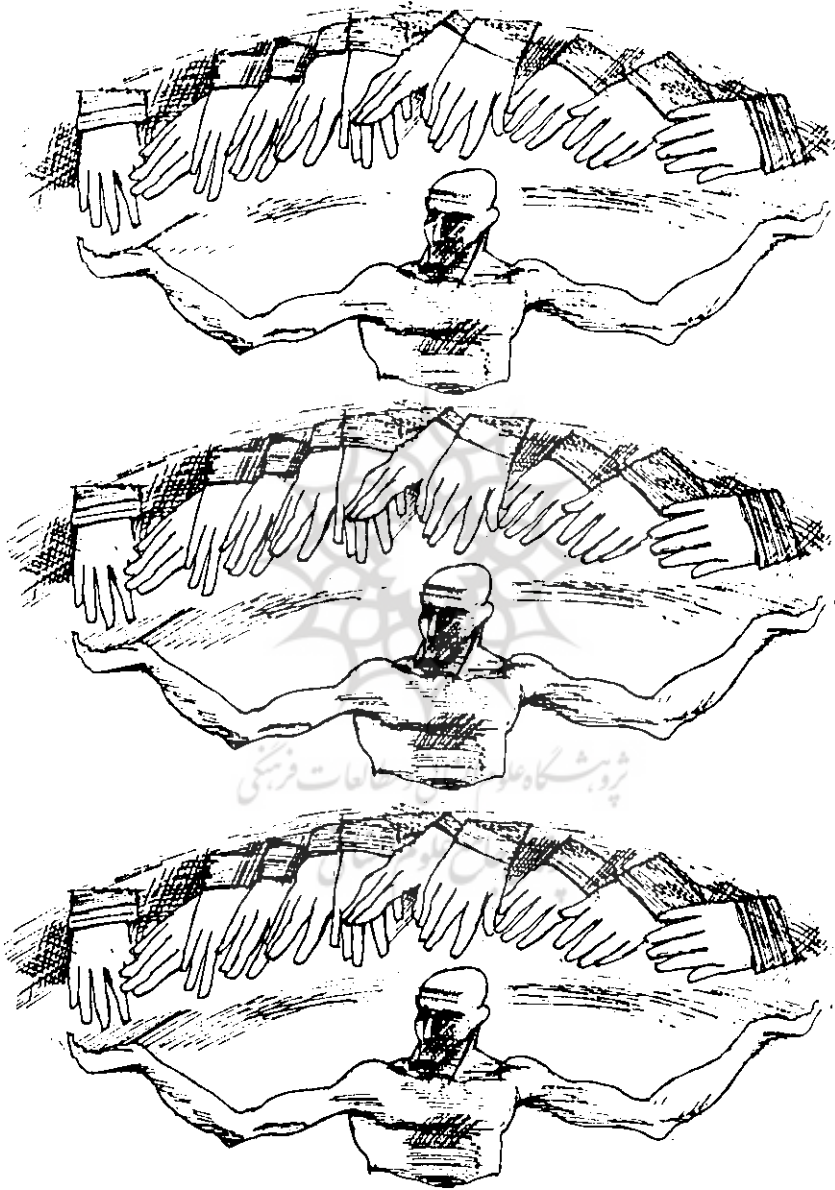


## تعدیل اقتصادی و جمعیت



---

## آثار آزادسازی و یکسان‌سازی نرخ ارز بر اشتغال و مهاجرت‌های روستایی / بخش کشاورزی بازبینی تغییرات در شرایط نبود تعدیل

---

فرهاد ماهر

---

این مقاله بخش اول طرح پژوهشی آثار آزادسازی و یکسان‌سازی نرخ ارز بر اشتغال و مهاجرت‌های روستایی است که به کار بازبینی تغییرات محتمل در پارامترهای فوق در شرایط نبود تعدیل اقتصادی طی یک دوره ده ساله (۱۳۷۰ - ۱۳۸۰) می‌پردازد. منطق پیشبینی تحولات جمعیتی در بخش کشاورزی/جامعه روستایی تلاش برای برآورد دقیق‌آثاری است که پارامترهای مستقل بر پارامترهای وابسته برجای می‌گذارد، برای تعیین این آثار، ابتدا لازم است حدود تغییراتی را که در شرایط نبود دستکاری پارامترهای مستقل رخ خواهند نمود مشخص کنیم، در غیر این صورت ممکن است کل تغییرات حاصله به پارامترهای مستقل نسبت داده شود، در صورتی که عوامل دیگری موجب آن تغییرات شده‌اند. این مقاله که در واقع بخش اول گزارش آثار تعدیل اقتصادی بر اشتغال و مهاجرت‌های روستایی است، ابتدا به برخی مشکلات پژوهشی در بررسی آثار پارامترهای مستقل (در اینجا تعدیل اقتصادی) بر پارامترهای وابسته (در اینجا اشتغال و مهاجرت) اشاره می‌کند. سپس سوالات پژوهش، و فرضیه‌های آن بیان می‌گردد. بعد در راستای هدف فوق و آزمون فرضیه‌ها، پیشبینی‌های مربوط به تغییرات جمعیتی در شرایط تعدیل خواهد آمد تا مشخص شود در آزمون فرضیه‌ها چه مقدار از تغییرات محتمل متأثر از مداخله دستکاری پارامترهای مستقل نخواهد بود.

---

## مقدمه

در بررسی آثار دستکاری يك یا چند متغیر (در سطح نمونه) یا پارامتر (در سطح جامعه) اجتماعی و اقتصادی بريك یا چند پارامتر یا متغیر دیگر رعایت دو شرط ضروری است: (۱) عمل نظامدار و (۲) کنترل. عمل نظامدار یعنی آزمون تجربی و منظم فرضیه‌ها برحسب يك طرح با مراحل از پیش تعیین شده و کنترل به معنای تلاش منظم برای حذف متغیرها یا پارامترهایی جز متغیرها یا پارامترهای مستقل است که می‌توانند از جمله علل محتمل آثار مشاهده شده بر متغیرها یا پارامترهای وابسته باشند. در مطالعات اجتماعی یا اقتصادی اگر چه رعایت شرط اول یا عمل نظامدار ممکن است، ولی رعایت شرط دوم یا کنترل به شرحی که خواهد آمد، دشوار می‌نماید.

یکی از جنبه‌های مهم پژوهش در حیطه علوم اقتصادی به‌طور خاص و علوم اجتماعی به‌طور عام، که با هدف تعیین روابط بین دو یا چند پدیده تدوین می‌گردد، تهیه يك طرح پژوهشی بسنده است. به منظور کنترل عوامل مخل یا مزاحم، طرح پژوهشی باید از نوع طرحهای آزمایشی باشد، ولی انجام طرحهای پژوهشی آزمایشی در میدانی که تغییرات سریعند و ثابت نگاه داشتن شرایط تقریباً غیرممکن می‌نماید، بسیار مشکل است. لذا، استفاده از طرحهای شبه - آزمایشی بدیل مناسبی در انجام پژوهشهای اجتماعی - اقتصادی به‌شمار می‌رود. از جمله طرحهای شبه آزمایشی می‌توان از طرحهای يك گروهی یا دو گروهی نام برد که بیشترین کاربرد را در پژوهشهای اجتماعی - اقتصادی دارند. اما هنگامی که دستکاری برخی پارامترهای مستقل به ناگهان و در سطح کلان انجام می‌گیرد، (مثلاً اجرای سیاستهای مربوط به تعدیل) استفاده از این دو طرح پژوهشی نیز غیرممکن می‌گردد. در طرح يك گروهی، ابتدا يك گروه هدف قبل از مداخله مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس دستکاری و مداخله انجام می‌شود، و سرانجام همان گروه که مداخله را تجربه کرده است مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که پارامترهای اقتصادی - اجتماعی جامعه روستایی / بخش کشاورزی پیش از اجرای سیاست تعدیل مورد بررسی قرار نگرفته است، (نبود پیش آزمون)، پس آزمون یا بررسی این پارامترها پس از اجرای سیاست تعدیل راهگشا نمی‌باشد. یعنی معلوم نیست که تغییرات مشاهده شده ناشی از سیاست تعدیل است یا ناشی از مداخله عوامل دیگر.

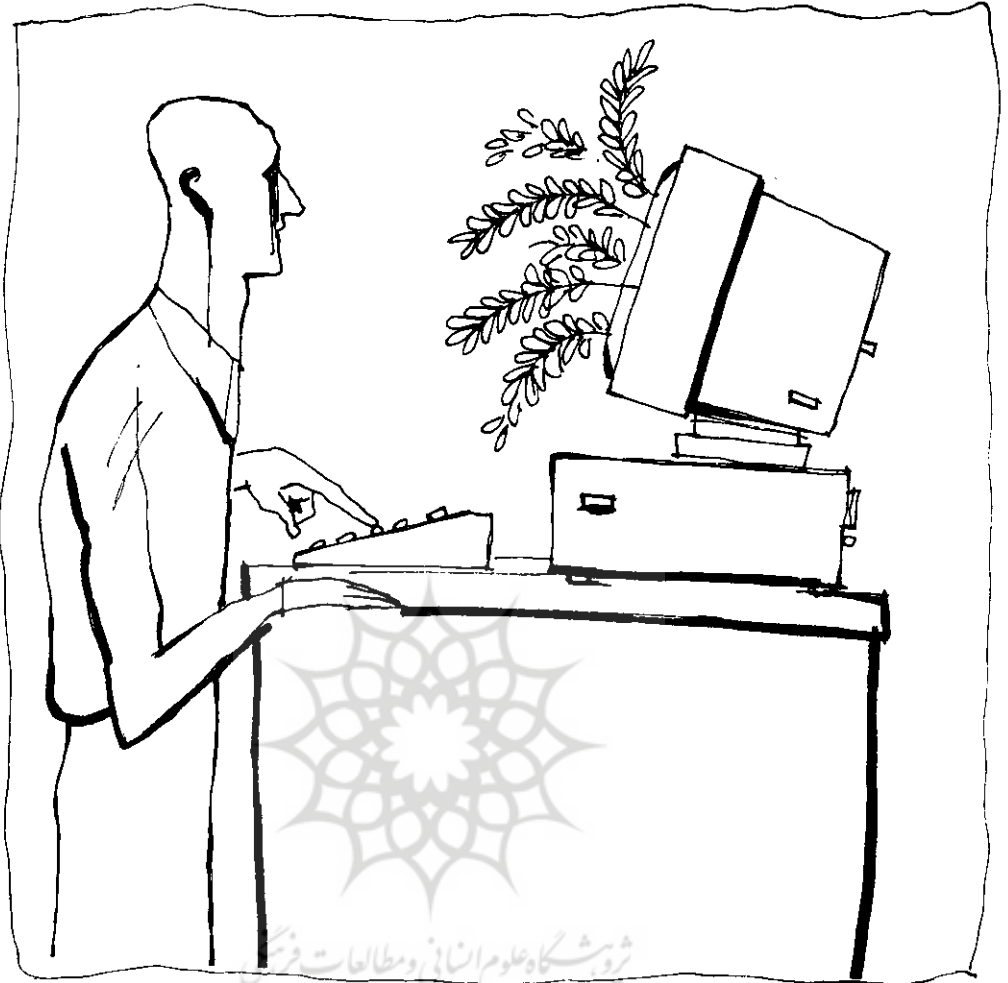
در جهت کنترل شرایط مخل استفاده از طرحهای دو گروهی نیز در شرایط اعمال مداخلات در سطح کلان غیرممکن می‌نماید. در این طرحها دو گروه هم‌تا از جامعه انتخاب می‌شوند، یکی از گروهها (گروه مطالعه) مداخله را تجربه می‌کند و گروه دیگر، گروه مقایسه. سپس تفاوت بین دو گروه سنجیده می‌شود. تفاوت حاصله به عامل دستکاری یا مداخله نسبت داده می‌شود. اما وقتی سیاستی مثل آزادسازی یا

یکسان سازی نرخ ارز در کلان جامعه و به طور سراسری اعمال می شود، عملاً انتخاب گروه مقایسه غیرممکن می گردد. بنابراین هم اجرای طرحهای يك گروهی و هم طرحهای دو گروهی برای کنترل عوامل مغل غیرممکن می شود.

عامل دومی که مانع از کنترل عوامل مغل می گردد به خود محقق و فضایی که در آن کار می کند مربوط می شود. واقعیت آن است که هرگاه موضوع پژوهش، موضوعی باشد که مورد تایید و ترغیب سیاستگذاران است، روش دانستن و تایید یا رد يك پدیده نه بريك زمینه علمی و بیطرف، بلکه براساس روش مرجعیت پا می گیرد. این روش در این جمله خلاصه می شود که «اگر او می گوید خوب است، پس خوب است». در این روش که عمدتاً روش مقدم بر تجربه است، قضایا بدیهی تلقی می شوند. حد نهایی این روش توافق از طریق استدلال است و تجربه در آن جایی ندارد. در چنین حالتی، پژوهنده در برخورد با موضوع مورد بررسی، اصل بی طرفی را نمی تواند رعایت کند، چرا که گاه حتی علت وجودی او توجیه تصمیمات سیاسی متخذ است. بنابراین، راهبری پژوهش با يك جانبگیری و غرض آلودگی همراه می شود که ممکن است او را به سمت اطلاعات موید جانبگیری خود سوق دهد، و در نتیجه اطلاعاتی را که مخالف آن جانبگیری است، از تحلیل خود حذف کند.

عوامل مغل و مزاحم فوق که کنترل شرایط پژوهش را ناممکن می سازد، بر روی هم بررسی آثار يك یا چند پارامتر اقتصادی - اجتماعی بر دیگر پارامترها را مشکل می سازد. با توجه به آنچه گفته شد در پایان کار پژوهش معلوم نیست که آثار مشاهده شده ناشی از دستکاری متغیرهای مورد مطالعه است یا عوامل دیگری در کارند. به عبارت دیگر نمی توان گفت چه بخشی از آثار مشاهده شده به دستکاری پارامترهای مستقل مربوط می شود و چه بخشی از آثار حتی در صورت نبود دستکاری آن پارامترها همچنان رخ می دهد: پس راه حل دیگری لازم است.

برای تعیین و تفکیک آثار ناشی از پارامترهای مستقل و آثاری که در نبود این پارامترها رخ می دهند، ناگزیر از انجام همزمان دو نوع مطالعه هستیم (۱) مطالعه بازبینی که می کوشد میزان تغییرات پارامترهای وابسته را در شرایط مفروض نبود دستکاری پارامترهای مستقل تعیین کند، و (۲) مطالعه ارزشیابی که هدف آن تعیین میزان کل تغییرات در پارامترهای وابسته است که در اثر دستکاری پارامترهای مستقل به علاوه عمل همان پارامترها در شرایط نبود دستکاری است - یعنی تغییرات کل منهای تغییراتی که در مطالعه بازبینی مشخص شده است. آنچه به دست می آید تغییراتی است که فرض می شود ناشی از دستکاری پارامترهای مستقل است.



بنابه استدلال فوق در مطالعه آثار تعدیل اقتصادی بر اشتغال و مهاجرت‌های روستایی/بخش کشاورزی، ابتدا مطالعه بازبینی در سطح کلان جامعه روستایی/بخش کشاورزی انجام می‌گیرد و سپس مطالعه ارزشیابی (در سطح کلان و نمونه‌هایی که معرف جامعه‌اند). در مرحله پایانی طرح، مقایسه نتایج مطالعه بازبینی با نتایج حاصل از مطالعه ارزشیابی، آثار تعدیل اقتصادی را بر پارامترهای اشتغال و مهاجرت باز می‌نمایاند. آنچه در پی می‌آید خلاصه گزارش نتایج مطالعه بازبینی در سطح کلان است، که طی آن براساس روندهای گذشته تغییرات اشتغال و مهاجرت طی دوره ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰ پیشینی و برآورد شده‌است.

### سوالات تحقیق

در این مطالعه کوشش بر آن است که به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- ۱) آیا آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز اثری بر روند اشتغال‌زایی بخش کشاورزی، که طی دهه گذشته سیری صعودی داشته است برجای می‌گذارد؟ آیا سیر صعودی آن ادامه می‌یابد؟ یا برعکس، روند اشتغال‌زایی معکوس می‌گردد؟
  - ۲) آیا آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر پدیده اشتغال در طبقات درآمدی جامعه روستایی/بخش کشاورزی اثری دارد؟
  - ۳) آیا آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر پدیده اشتغال در طبقات مهارتی جامعه روستایی/بخش کشاورزی اثری دارد؟
  - ۴) آیا آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند مهاجرت‌های روستایی اثر دارد؟ آیا این اثر در خدمت کاهش مهاجرت‌های روستایی است یا افزایش آن؟
  - ۵) آیا سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز اثری بر روند مهاجرت‌های روستایی در طبقات درآمدی جامعه روستایی برجای می‌گذارد؟
  - ۶) آیا سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز اثری بر روند مهاجرت‌های روستایی در طبقات مهارتی روستاییان برجای می‌گذارد؟
- پاسخ به سوالات فوق که در قالب فرضیه‌هایی مورد بررسی قرار خواهند گرفت، شرح خدمات مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهند.

### فرضیه‌های تحقیق

- (الف) فرضیه حقیقی ۱- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند اشتغال‌زایی بخش کشاورزی اثر می‌گذارد (H1).
- فرضیه صفر ۱- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند اشتغال‌زایی بخش کشاورزی بی‌تاثیر است (H0).
- (ب) فرضیه حقیقی ۲- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر پدیده اشتغال در طبقات درآمدی جامعه روستایی بخش کشاورزی اثر می‌گذارد (H1).
- فرضیه صفر ۲- سیاست آزادسازی نرخ ارز بر پدیده اشتغال در طبقات درآمدی جامعه

## برای تعیین آثار واقعی تعدیل اقتصادی بر اشتغال و مهاجرت‌های

### روستایی

لازم است مشخص کنیم

چه بخشی از کل تغییراتی که طی یک دوره زمانی حادث می‌شود،

ناشی از دستکاری پارامترهای اجتماعی است

و چه بخشی از تغییرات حتی در صورت نبود دستکاری آن پارامترها رخ

خواهد داد

روستایی/بخش کشاورزی بی‌اثر است ( $H_0$ ). (ج) فرضیه حقیقی ۳- سیاست آزادسازی و یکسان سازی

نرخ ارز بر پدیده اشتغال در طبقات مهارتی جامعه روستایی/بخش کشاورزی اثر دارد ( $H_1$ ).

فرضیه صفر ۳- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر پدیده اشتغال در طبقات مهارتی

جامعه روستایی / بخش کشاورزی بی‌اثر است ( $H_0$ ).

(د) فرضیه حقیقی ۴- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند مهاجرت‌های روستایی

اثر دارد ( $H_1$ ).

فرضیه صفر ۴- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند مهاجرت‌های روستایی بی‌اثر

است ( $H_0$ ).

(ه) فرضیه حقیقی ۵- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند مهاجرت‌های روستایی

در طبقات درآمدی جامعه روستایی/بخش کشاورزی اثر دارد ( $H_1$ ).

فرضیه صفر ۵- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند مهاجرت‌های روستایی در

طبقات درآمدی جامعه روستایی/بخش کشاورزی بی‌اثر است ( $H_0$ ).

(و) فرضیه حقیقی ۶- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند مهاجرت‌های روستایی

در طبقات مهارتی جامعه روستایی/بخش کشاورزی اثر دارد ( $H_1$ ).

فرضیه صفر ۶- سیاست آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر روند مهاجرت‌های روستایی در

طبقات مهارتی جامعه روستایی/بخش کشاورزی بی‌اثر است ( $H_0$ ).

## روش بررسی

در مرحله مطالعه بازمینی طرح آثار آزادسازی و یکسان سازی نرخ ارز بر اشتغال و مهاجرت‌های روستایی، روش کار به شرح زیر بود:

(۱) مروری تاریخی بر تحولات جمعیتی جامعه روستایی/بخش کشاورزی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۰. در این مرور که با توجه به اسناد و مدارک موجود و نیز پژوهش‌های مربوط به این زمینه انجام شده، تغییرات شاخص‌های مهم جمعیتی، مثل تحولات اشتغال، روند مهاجرت، انواع فعالیت، و... مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

(۲) برآورد تغییرات مهمترین پارامترهای جامعه روستایی/بخش کشاورزی در فاصله دهه ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰، براساس روند تغییرات گذشته و با توجه به نرخ ثابت تغییرات در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰. در این پیشبینی مداخله عامل تعدیل اقتصادی و اثرات آن بر پارامترهای مورد بحث در نظر گرفته نشده است. به عبارت دیگر فرض بر آن است که در صورت نبود اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی، نرخ تغییرات چنین خواهد بود.

(۳) آثار مفروض سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی در پارامترهای مورد بحث، و تغییراتی که از آن حادث می‌شود در طول سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ برآورد می‌شود.

(۴) نتایج حاصل از پیشبینی‌های مربوط به بند ۳ با نتایج حاصل از پیشبینی‌های مربوط به بند ۲ مقایسه خواهند شد، تا میزان یا نرخ تغییراتی که مشخصاً از آثار اعمال سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی است به دست آید. مشخص شود. ناگفته پیداست که کل برآوردها براساس پیشبینی‌هاست.

## تعریف عملی مفاهیم

در این بررسی برخی اصطلاحات مکرر به کار می‌روند. این مفاهیم تعاریف زیر را دارند:

(۱) تعدیل اقتصادی<sup>۱</sup>: ناظر است بر فرایندی که طی آن جامعه از نبود تعادل به سوی تعادل سمتگیری می‌کند. گذر از نبود تعادل به تعادل مستلزم تغییر محیط به منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه و تغییر جامعه به منظور پاسخگویی به تقاضاهای محیط است.

(۲) تعادل<sup>۲</sup>: يك حالت یا وضع اقتصادی - اجتماعی است که در آن کل عرضه و تقاضا برای کالاها و خدمات هماهنگ است. به عبارت دیگر، تعادل حالتی است که فشار نیروهای متعارض مانع از تغییر اوضاع به نفع يك نیروی خاص می‌گردد. در چنین وضعی هماهنگی عناصر درونی سیستم از يك سو،



برای تعیین آثار واقعی سیاستهای تعدیل اقتصادی بر جمعیت، مهاجرت و اشتغالهای روستایی، ابتدا بایستی تصویری از وضع فعلی جمعیت و روند تغییرات آتی آن به زبان آمار و ارقام در دست داشته باشیم.

و هماهنگی آن با سیستمهای دیگر تحقق می‌یابد.

(۲) آزادسازی<sup>۲</sup>: عبارت است از تسهیل جریان ورود و خروج کالا و سرمایه به داخل و خارج مرزهای کشور، از طریق حذف موانع، مقررات و گاه تعرفه‌ها (بانک جهانی، ۱۹۹۲ ادواردز و دیگران، ۱۹۹۳).

(۴) خصوصی سازی<sup>۴</sup>: اشاره دارد بر فرایند انتقال مالکیت، و مدیریتهای دولتی به بخش خصوصی؛ و حذف قوانین و موانع موجود بر سر راه انتقال مالکیتها در درون بخش خصوصی (بانک جهانی، ۱۹۹۳).

(۵) یکسان سازی نرخ ارز<sup>۵</sup>: بر حذف سیستم چند نرخ ارزهای خارجی به پول داخلی دلالت دارد. بنابراین، در این تعریف، تثبیت نرخ ارز جای نمی‌گیرد (بانک جهانی، ۱۹۹۳).

(۶) اشتغال (۶): عبارت است از یک رابطه‌ی قراردادی کار بین مستخدم و کارفرما طبق مکانیسمی (دستمزد و کار) که بدان طریق تولید و مصرف به هم ربط می‌یابند. بنابراین هر کجا اصطلاح اشتغال به کار می‌رود، رابطه کارگر - کارفرما مدنظر است (بورگز، ۱۹۸۹، کلمن و نیکسون ۱۹۸۶).

(۷) کار: ناظر است بر انجام یک فعالیت اقتصادی و مولد، خارج از سیستم دستمزدی و رابطه کارگر - کارفرما. اصطلاح رایج دیگر برای کار، خود - اشتغالی است. کار می‌تواند مستلزم فعالیت بدنی یا ذهنی باشد (بورگز، ۱۹۸۹).

(۸) مهاجرت: بر حرکت مردم از یک منطقه به منطقه دیگر دلالت دارد. مهاجرت یا فقط شغلی است یا شغلی - مکانی. در حالت اول، فرد محل سکونت خود را تغییر نمی‌دهد ولی در حالت دوم محل سکونت نیز تغییر می‌یابد (جورنی، ۱۳۶۵).

## پیشبینی اشتغال و مهاجرت‌های روستایی / کشاورزی در شرایط نبود اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی

ادبیات نه چندان مدون آثار تعدیل اقتصادی بر نیروی انسانی، اشتغال و مهاجرت در جامعه روستایی، بخش کشاورزی (بانک جهانی، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳) اگر چه پایه و مایه پژوهشی ندارد، اما موجب دلنگرانی کارشناسان و نظریه پردازان سیاست‌های مربوط به اجرای آن از جهت آثار کوتاهمدت و دراز مدت شده است که بر روند تغییرات نیروی انسانی، و پارامترهای مهم آن یعنی مهاجرت و اشتغال در سطح کلان جامعه تأثیر می‌گذارد. متأسفانه همین ادبیات جامعه روستایی/بخش کشاورزی را از جهت تحمل آثار تعدیل اقتصادی چندان جدی نگرفته است. و آنجا که نظریه پردازان به این مقوله نظر کرده‌اند، بیشتر از بعد نظری و از جهت فشارهایی که به بخش‌های دیگر اقتصادی وارد می‌شود بوده است.

به هر حال همان طور که پیشتر به اختصار آمد، برای تعیین آثار واقعی تعدیل اقتصادی بر اشتغال و مهاجرت‌های روستایی لازم است مشخص کنیم چه بخشی از کل تغییراتی که طی یک دوره زمانی حادث می‌شود، ناشی از دستکاری پارامترهای اجتماعی است و چه بخشی از تغییرات حتی در صورت نبود دستکاری آن پارامترها رخ خواهد داد؟ و نیز لازم است معین کنیم آیا سیاست‌های مربوطه در همان سمت و سوی تغییراتی است که در نبود آن سیاست‌ها و ادامه سیاست‌های گذشته نیز رخ می‌نمایند و یا به آن تغییرات جهت معکوس می‌دهند. برای پاسخ به این قبیل سوالات با توجه به نتایج حاصل از دیگر کشورها، محتمل است که جهت تغییرات معکوس نباشد و در همان سمت و سوی تغییراتی رخ دهد که در ضمن اجرای سیاست‌های حمایت‌گرا واقع خواهد شد (برای اطلاع بیشتر به گزارشات بانک جهانی در مورد کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین و آفریقایی از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ مراجعه کنید)، اما برای تعیین آثار واقعی سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر جمعیت، مهاجرت و اشتغال‌های روستایی، ابتدا بایستی تصویری از وضع فعلی جمعیت و روند تغییرات آتی آن به زبان آمار و ارقام در دست داشته باشیم.

### تغییرات جمعیتی

در کشور ما، دهه‌های ۵۰ و ۶۰ کشور ما شاهد پدیده کم‌نظیری در زمینه تحولات جمعیتی بود که به‌درستی می‌تواند انفجار جمعیت در ایران خوانده شود. در حالی که در سال ۱۳۵۵، جمعیت ایران حدود ۲۳ میلیون نفر گزارش شد، در سال ۶۵، برای آن رقم ۴۹ میلیون ثبت گردید. معنای دو رقم فوق نشانگر نرخ رشدی فراتر از ۲/۹ درصد است که در همان مقطع زمانی در جهان نظیر نداشت. این نرخ رشد

نامطلوب بر تشکیل نوعی ساختار جمعیتی خاص منجر شد که در آن بخش عمده جمعیت هنوز نه به سن تولید مثل رسیده بودند و نه به سن کار. در مقطع سال ۱۳۶۵ از مجموع جمعیت ۴۹ میلیون نفری کل کشور بیش از ۲۲/۶۷ میلیون نفر زیر ۱۵ سال بوده‌اند. و در سال ۱۳۷۰ این رقم به ۲۴/۷۲۳ میلیون نفر (۱) رسید (یعنی حدود ۴۴ درصد جمعیت زیر ۱۵ سال بوده‌اند). در جامعه روستایی/بخش کشاورزی ماجرا از الگوی کلی ساختار جامعه کل پیروی کرده، یعنی در سال ۱۳۶۵، ۹۸۵،۰۰۰ نفر از کل جمعیت روستایی زیر ۱۵ سال داشتند، که در سال ۱۳۷۰ به ۱۱،۰۷۹،۶۳۲ نفر بالغ گشت. یعنی از مجموع جمعیت حدود ۴۶ درصد زیر ۱۵ سال بوده‌اند.

معنای اقتصادی این تحولات جمعیت چیست؟ در سطح کلان جامعه رشد سریع جمعیت موجب می‌گردد بخش مهمی از منابع جامعه صرف بهداشت و رفاه کودکان شود و هزینه‌های سنگینی صرف تعلیم و تربیت آنان شود. در حال حاضر بخش مهمی از درآمد ملی کشور صرف آموزش و پرورش جمعیت ۱۹ میلیونی شاغل به تحصیل می‌شود. در سطح اقتصاد خرد نیز انفجار جمعیت مشکل آفرین بوده است. یعنی میانگین تعداد کودکان در واحد خانواده بالا رفته است (۳/۵ کودک) و لذا بار تکفل برای خانواده کمرشکن است. معنای اقتصادی دیگر انفجار جمعیت در ایران ممانعت زنان در مشارکت فعالیتهای تولیدی، فشار بر کودکان مستتر برای ترك تحصیل و اشتغال به فعالیتهای اقتصادی جهت کسب درآمد برای خانواده است. این ماجرا در جمعیت‌های روستایی/کشاورزی جلوه بسیار دارد. همین امر تلاش برای گسترش زنجیر فقر را ناممکن ساخته است. و سرانجام، رشد سریع جمعیت به رشد تعداد افراد در سن کار هم در زمان حال و هم در آینده نزدیک منجر شده است که الزام به صرف سرمایه‌های سنگین برای ایجاد شغل‌های جدید را موجب می‌گردد.

تصویر فوق شاید آنقدر گویا باشد که براساس آن بتوان چشم‌انداز آینده تحولات جمعیتی را ترسیم نمود. در چنین شرایطی است که برخورد با مساله تعدیل اقتصادی و آثار آن بر اشتغال و مهاجرت‌های روستایی/بخش کشاورزی دقت بیشتری می‌طلبد.

### اشتغال و بیکاری در جامعه روستایی/بخش کشاورزی

تصویر اشتغال در جامعه روستایی و بخش کشاورزی به لحاظ اغتشاش در تعریف مقوله اشتغال، تصویری مغشوش است، بویژه این اغتشاش زمانی بیشتر چهره می‌کند که قرار است آثار يك سیاست کلان را بر آن مورد بررسی قرار دهیم. به هر حال ملاك اشتغال در سرشماریهای مربوط عبارت است از اشتغال به کاری

برای مدت بیش از یک روز در هفته قبل از سرشماری. چنین ملاکی آنچه را نباید نشان می‌دهد و آنچه را که باید می‌پوشاند. برای نمونه، با چنین ملاکی بیکاریهای پنهان و شاغلین نیمه وقت رخ نمی‌نمایند و جملگی به‌عنوان شاغل گزارش می‌شوند (تورنهام، ۱۹۷۱). شاید به همین دلیل باشد که نرخ بیکاری در کشور، در مقایسه با کشورهای صنعتی کم و بیش نازل است. نکته دیگری که در تعریف شاغل باید ملحوظ گردد آن است که تعریف فرقی بین اشتغال و کار اقتصادی قایل نمی‌شود. و این تفکیک بویژه در جامعه روستایی/بخش کشاورزی از دیدگاه تغییرات ساختاری و تحولات جمعیتی بسیار حایز اهمیت است.

به هر صورت، بنابر سرشماری جمعیتی سال ۱۳۷۰، حدود ۲۴ میلیون نفر در جامعه روستایی/بخش کشاورزی ساکن بوده‌اند. از آن میان ۶/۲۴۸ میلیون نفر حجم نیروی کار را تشکیل می‌داده‌اند. از مجموع نیروی کار ۵۴۸۸ هزار نفر شاغل و ۷۶۰ هزار نفر بیکار بوده‌اند (جدول شماره ۱). همان‌طور که از جدول شماره ۱ برمی‌آید، این پارامترها طی یک دوره ۱۰ ساله به شرح زیر تغییر می‌کنند: جمعیت روستایی به ۳۱۵۰۰ هزار نفر بالغ می‌گردد (به فرض نبود مهاجرت)، حجم نیروی کار به ۹۶۰۰ هزار نفر خواهد رسید. جمعیت شاغل از مرز ۸۴۳۰ هزار نفر و جمعیت بیکار از مرز ۱۱۷۰ هزار نفر خواهد گذشت. تصویر فوق با فرض ادامه روند سیاستهای حمایتگرایی گذشته تدوین شده است. هرگونه چرخشی در سیاستهای کلان، از جمله سیاستهای مربوط به تعدیل اقتصادی تصویر فوق را دگرگون خواهد ساخت. معنای ارقام فوق چیست؟

واقعیت آن است که طی دوره ۷۰ - ۱۳۸۰، عرضه جدید نیروی کار از مرز ۳۳۵۰ هزار نفر می‌گذرد، و لذا با احتساب میزان بیکاری در سال پایه (۱۳۷۰) کل نیروی انسانی در جستجوی کار با منشاء روستایی به ۴۱۱۰ هزار نفر می‌رسد. بنابراین برای حفظ نیروی کار روستایی به ۳۶۲۰ هزار فرصت جدید شغلی نیاز داریم. باز اگر فرض کنیم روند گذشته در ایجاد فرصتهای شغلی ادامه خواهد یافت، در سال ۱۳۸۰، فرصتهای جدید از مرز ۱۱۲۰ هزار نفر نخواهد گذشت. نگاهی دیگر به این ارقام نشان خواهد داد که در این شرایط تعداد ۲۵۱۰ هزار نفر نیروی کار معطل خواهند ماند (بیکاری). این تغییرات همه به‌فرض نبود اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی در پارامتر اشتغال رخ می‌دهد.

حال ماجرای اشتغال در بخش کشاورزی را از زاویه‌ای دیگر می‌نگریم. از مجموع شاغلین در جامعه روستایی/بخش کشاورزی، ۳۳۰۰ هزار نفر مستقیماً به کار کشاورزی اشتغال دارند. از این تعداد حدود ۵۰ درصد کسانی هستند که جزء شاغلین آمده‌اند، در حالی که بنباه تعریف شاغل - به بخش تعاریف مفاهیم عملی بنگرید نمی‌گنجد، بلکه کسانی هستند که خارج از چارچوب تعریفی شاغل قرار

می گیرند. فعالیت اقتصادی این گروه به اسامی مختلفی چون کار، یا خود اشتغالی خوانده شده است. به طور کلی، ۱۱۷۰ هزار نفر از مجموع کسانی که شاغل تلقی شده‌اند، کار اقتصادی می‌کنند و فقط ۱۶۰۰ هزار نفر در تعریف شاغل جای می‌گیرند. این تفکیک از جهت بررسی آثار سیاستهای تعدیل اقتصادی بر ساختار اشتغال به‌غایت مهم است. چرا که فشار عمده تعدیل اقتصادی بیشتر متوجه کسانی است که زیر عنوان فعالین اقتصادی جمع می‌شوند.

جدول شماره ۱:

پیشبینی عرضه جمعیت، نیروی کار در جامعه روستایی/بخش کشاورزی طی دهه ۱۳۷۰ -

۱۳۸۰

(جمعیت به هزار نفر)

پارامترها	۱۳۷۰	۱۳۸۰
	سال پایه	با فرض نبود مهاجرت
حجم جمعیت	۲۴۰۰۰	* ۳۱۵۰۰
حجم نیروی کار	۶۲۴۸	* ۹۶۰۰
حجم جمعیت شاغل	۵۴۸۸	* ۸۴۳۰
حجم جمعیت بیکار	۷۶۰	* ۱۱۷۰
عرضه جدید نیروی کار طی دهه ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰		* ۳۳۵۰
کل نیروی کار در جستجوی کار با منشا روستایی ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰		* ۴۱۱۰
کل فرصتهای جدید شغلی مورد نیاز برای حفظ نیروی کار روستایی		* ۳۶۳۰
چشم انداز شکل گیری ظرفیتهای جدید شغلی		* ۱۱۲۰

\* تمام ارقام برآوردی است.

\*\* بنابر متوسط، خلق فرصتهای جدید شغلی طی دوره ۶۵ - ۷۰ محاسبه شده است.

از آنچه در فوق آمد، می‌توان تصویر آینده اشتغال و بیکاری را در شرایط نبود تعدیل رسم نمود. حال سوال این است که تعدیل چه تغییری در تصویر فوق می‌دهد؟ اگر نماد  $X$  را تعداد شاغلین و فعالینی که در نتیجه تعدیل در بخش کشاورزی کار خود را از دست می‌دهند و نیز نیروی در جستجوی کاری که کار نمی‌یابند فرض کنیم، نماد  $Y$  را چشم‌انداز خلق فرصتهای جدید شغلی به فرض ادامه روند سیاستهای گذشته دولت در مورد ایجاد اشتغال و سرانجام  $E$  را نماد کل اشتغال در سال مقصد و  $E'$  را نماد کل اشتغال در سال پایه قرار دهیم، می‌توان سهم آثار تعدیل اقتصادی را بر اشتغال بخش کشاورزی با فرمولی که به دست می‌آید محاسبه کرد:

$$E = E' + Y - X \quad \text{یا} \quad E = 2200 + 1120 - X$$

در صورتی که سیاستهای گذشته دولت در مورد ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی متوقف شود، و این وظیفه به بخش خصوصی واگذار شود (نماد  $P$ )، فرمول فوق به شکل زیر درمی‌آید:

$$E = E' + P - (Y+X) \quad \text{یا} \quad E = 2200 + P - (1120 + X)$$

### مهاجرتهای روستایی

بخش مهمی از تحرك و جابه‌جایی نیروی کار بخش کشاورزی / جامعه روستایی به دیگر بخشهای اقتصادی و شهرها از نقطه نظر يك اقتصاد در حال توسعه، هم ضروری است و هم مطلوب، اما مهاجرتهای روستایی در اقتصادهای در حال توسعه اثرات منفی نیز بر توسعه اقتصادی دارند. و این پارادوکسی است که هنوز حل نشده باقی است. از يك سو دیگر بخشهای اقتصادی با تورم نیروی کار روبه‌رو می‌شوند (مناطق مقصد) و از سوی دیگر برخلاف این تصور رایج که می‌گویند مناطق روستایی/بخش کشاورزی از بیش انبوهی نیروی کار رنج می‌برد، مهاجرتهای روستایی منطقه مبدا را با کمبود نیروی انسانی کارآمد دچار می‌سازد. این نکته وقتی وضوح بیشتری می‌یابد که دریابیم مهاجرت يك پدیده انتخابی از جمعیت سنی و میزان تعلیم و تربیت است. عمده مهاجران عبارتند از: نیروهای مولدتر بخش کشاورزی (هم از لحاظ سن و هم از جهت سطوح تعلیم و تربیت). به هر صورت، رکود مناطق روستایی، بسط سریع شهرها و شهرکهای اطراف شهرهای بزرگ، همراه با رشد اشتغال در بخش غیررسمی، اثر مخرب مهاجرتهای شهر - روستا را به خوبی نشان می‌دهد.

نکته‌ای که در تحلیل حاضر باید به‌خاطر داشت این است که مهاجرتهای جدید بیشتر مهاجرت نیروی کار تلقی می‌شود تا مهاجرت مردم و مهاجرت بیشتر کارگران واحد را شامل می‌شود.

از مجموع جمعیت حدود ۴۶ درصد زیر ۱۵ سال است.  
یعنی میانگین تعداد کودکان در واحد خانواده بالا رفته است (۳/۵ کودک)  
و لذا بار تکفل برای خانواده کمر شکن است.  
معنای اقتصادی دیگر انفجار جمعیت در ایران  
ممانعت زنان در مشارکت فعالیتهای تولیدی،  
فشار بر کودکان مستتر برای ترك تحصیل و اشتغال به فعالیتهای اقتصادی  
جهت کسب درآمد خانواده است.

تا کل خانوادهها را (امین، ۱۹۷۴).

از جهت مهاجرت نیروی کار از بخش کشاورزی به بخشهای دیگر اقتصاد و نقش آن در فرایند توسعه اقتصادی، تحلیل حاضر بر پایه فرض تفاوت درآمد و دستمزد (لويس، ۱۹۵۴، رانیس و فی، ۱۹۶۱) بین شهر و روستا و بر پایه مدل تفاوت فرصتهای شغلی بین دو جامعه است. بنابر ترکیبی که از این دو مدل به دست می آید، واقعیات زیر که از تجارب گذشته به دست آمده است، علل مهاجرتهای روستایی در دهه آینده را بازمی نمایند:

(۱) بین گرایش به مهاجرت و فاصله با نزدیکترین مرکز شهری ارتباط معکوس وجود دارد (منظور از فاصله هم فاصله فیزیکی است که با کیلومتر سنجیده می شود و هم فاصله روان شناختی که با تفاوت فرهنگی و اجتماعی بین مناطق و جریان اطلاعات اندازه گیری می شود).

(۲) مهاجران در پاسخ به تفاوت درآمدی حرکت می کنند. مهاجران غالباً به مناطقی مهاجرت خواهند کرد که سطح دستمزد بالاتر است (بیلز، ۱۹۶۷).

(۳) بین اندازه مرکز روستایی و مهاجرت روستا - شهر رابطه مثبت وجود دارد (جرنی، ۱۳۶۵).

(۴) بین سطح تعلیم و تربیت و مهاجرت روستا - شهر رابطه مثبت وجود دارد. تحصیل به خودی خود مردم را به زندگی شهری دعوت می کند.

(۵) تمرکز مهاجران در برخی از گروههای فرعی جمعیتی بیش از دیگر گروههای فرعی جمعیتی خواهد بود. مهاجران عمدتاً کمتر از ۳۰ سال دارند و مجرداند.

با توجه به واقعیات فوق و آنچه در باب تحولات نیروی کار در بخش کشاورزی/جامعه روستایی

آمد، می‌توان به ترسیم تصویری از وضع مهاجرت‌های روستایی/کشاورزی طی ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰ امیدوار بود. جدول شماره ۲، بازنمای برخی پارامترهای مهم جمعیتی در تعیین مهاجرت‌های شغلی و پیشبینی تعداد مهاجران شغلی طی دهه مورد بحث است. این جدول براساس دو فرض مربوط به پیشبینی مهاجرت‌های روستایی شکل گرفته است:

(۱) پیشبینی مهاجران شغلی بالقوه در شرایط نبود اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی

(۲) پیشبینی مهاجران شغلی بالقوه در شرایط اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی

در شرایط نبود اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل، یا ادامه سیاست‌های حمایت‌گرا، با توجه به نرخ بیکاری در سال پایه (۷۶۰ هزار نفر در سال ۷۰)، عرضه جدید نیروی کار طی دوره مورد بحث (۳۳۵۰ هزار نفر) کل نیروی انسانی در جستجوی کار (۱۱۰ هزار نفر) و سرانجام پیشبینی کل فرصت‌های جدید شغلی (۱۱۲۰ هزار شغل)، در مجموع حدود ۲۲۹۰ هزار نفر از نیروی کار در جامعه روستایی / بخش کشاورزی ناگزیر از ترك بخش می‌باشند. بنابراین، لازم است در بررسی آثار تعدیل بر مهاجرت‌های روستایی، به این مهم توجه کافی مبذول گردد.

#### جدول شماره ۲:

برخی پارامترهای مهم جمعیتی در تعیین مهاجرت‌های شغلی طی دهه ۱۳۷۰ - ۱۳۹۰

پارامترها	پیشبینی (به هزار نفر)
عرضه جدید نیروی کار	* ۳۳۵۰
شاغلین در بخش کشاورزی در سال پایه	۳۲۰۰
بیکار در سال پایه	۷۶۰
کل نیروی کار انسانی در جستجوی کار	* ۴۱۱۰
پیشبینی کل فرصت‌های جدید شغلی براساس میانگین فرصت‌های شغلی خلق شده در مقطع ۶۵ - ۷۰	* ۱۱۲۰
مهاجرین شغلی بالقوه در شرایط نبود تعدیل	* ۲۹۹۰
مهاجرین شغلی بالقوه در شرایط تعدیل	* ۴۴۱۰

\* تمام ارقام پیشبینی است.



مهاجرتهای روستایی در اقتصادهای در حال توسعه اثرات منفی نیز بر توسعه اقتصادی دارند. و این بار ادوکی است که هنوز حل نشده باقی است.

از یک سو دیگر بخشهای اقتصادی با تورم نیروی کار روبهرو می شوند و از سوی دیگر برخلاف این تصور رایج که می گوید مناطق روستایی بخش کشاورزی از بیش انبوهی نیروی کار رنج می برد، مهاجرتهای روستایی منطقه مبدأ را به کمبود نیروی انسانی کارآمد دچار می سازد.

رابطه فوق به شکل معادله چنین خواهد بود :

$$M = TL - N$$

$$M = 4110 - 1120 = 2990$$

M = نماد مهاجرت

TL = نماد کل نیروی انسانی در جستجوی کار

N = نماد فرصتهای جدید شغلی

اما در شرایط اجرای سیاستهای مربوط به تعدیل اقتصادی، که مترادف است با حذف مداخله دولت، مهاجرتهای روستایی اگر چه از همان الگوی مهاجرت در شرایط نبود تعدیل پیروی می کند، اما از لحاظ قدر مطلق با آن تفاوت خواهد داشت. در شرایط تعدیل، همه پارامترهای جمعیتی ثابت می مانند، جز پارامتر فرصتهای جدید شغلی که تاکنون عمدتاً از طریق مداخله و حمایت دولتی انجام می گرفته است. در صورتی که تعدیل اقتصادی بر مبنای چارچوب نظریش انجام گیرد، این پارامتر از معادله حذف خواهد شد. بنابراین پیشبینی می شود که در شرایط تعدیل مهاجران شغلی بالقوه از مرز 4110 هزار نفر بگذرند. شکل نمادین رابطه فوق چنین است:

$$M = TL - p^6$$

$$M = 4110 - P$$

علت اینکه در محاسبه مهاجرین بالقوه عامل P محاسبه نشده است (صفر فرض شده است) آن

است که در شرایط نوین و در مقطع کوتاهمدت ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰، گمان نمی‌رود که بخش خصوصی طالب سرمایه‌گذاریهایی برای ایجاد شغل‌های جدید باشد. در عوض، بنابر تجارب حاصل از دیگر کشورها (شیلی، فیلیپین، پاکستان و...)، در شرایط جدید تعداد بسیاری از فرصت‌های موجود شغلی در بخش کشاورزی/جامعه روستایی از بین خواهند رفت.

سرانجام سرریز جمعیت فوق از جامعه روستایی/بخش کشاورزی چه در شرایط تعدیل و چه در شرایط نبود تعدیل بنابر روابط زیر شکل خواهد گرفت:

۱) مهاجرت در اصل در اثر ملاحظات اقتصادی هزینه - منفعت، (مالی یا روان‌شناختی) رخ خواهد داد.  
۲) تصمیم بر مهاجرت منوط به تفاوت دستمزد مورد انتظار بین بخش‌ها نه تفاوت دستمزد واقعی بین بخش عملی خواهد شد.

۳) احتمال کسب شغل در شهر و اقامت دائم در آنجا رابطه معکوس با نرخ بیکاری در شهر خواهد داشت.

۴) نرخ مهاجرت بر نرخ رشد فرصت‌های شغلی در شهرها فزونی خواهد یافت (تودارو (۱)، ۱۹۸۷).

اگر تصویری که از وضع اشتغال و مهاجرت‌های روستایی/کشاورزی به دست دادیم، تحقق یابد، پیامدهای آن چگونه خواهد بود؟ واقعیت آن است که چه در شرایط تعدیل و چه در شرایط غیر آن، بخش کشاورزی ناگزیر از انتقال نیروی کار اضافی خود به دیگر بخش‌ها است و بعید به نظر می‌رسد که بتواند این انتقال را در حیطه جغرافیایی خود انجام دهد. لذا به ناچار همچون گذشته آن نیرو را به خارج از حیطه جغرافیایی خود یعنی شهرها منتقل می‌سازد. ترکیب رشد سریع جمعیت با رشد سریع نیروی کار و تغییر در ساختار اقتصادی، سرانجام به رشد سریعتر مهاجرت و در نتیجه شهرنشینی فزاینده منجر می‌شود. از آنجا که الگوی شهرنشینی در ایران همان الگویی است که در همه کشورهای جهان سوم مشاهده می‌شود، در دهه آینده نیز شاهد تهاجم جمعیت‌های روستایی به چندین شهر محوری و بزرگ خواهیم بود. این ماجرا مشکلات بسیار بر سر راه سیاست‌گذاران ایجاد می‌کند. شهرنشینی بسیار پرهزینه است، و به تدارک تسهیلات، حمل‌ونقل، مسکن، بهداشت، تسهیلات آموزشی و تفریحی نیازمند است، به‌علاوه، رشد سریع شهرنشینی نیازمند خلق فرصت‌های شغلی تمام ناشدنی است. به‌عبارت دیگر خلق فرصت‌های شغلی جدید در کشور نمی‌تواند همگام با رشد سریع نیروی کار در جستجوی کار باشد. نتیجه حاصل از این روند شکل‌گیری ارتباط مهمی است بین مهاجرت، سطوح بالای بیکاری، فقر گسترده و تشدید توزیع نابرابر درآمد. راه حل این مشکل از نگاه نظریه‌پردازان امر توسعه، عبارت است از خلق اشتغال در جوامع روستایی و کم کردن تفاوت دستمزد بین بخش‌های مختلف اقتصادی، روستایی و شهری (تودارو، ۱۹۷۶).

رشد سریع شهرنشینی نیازمند خلق فرصتهای شغلی تمام ناشدنی است. به عبارت دیگر خلق فرصتهای شغلی جدید در کشور نمی تواند همگام با رشد سریع نیروی کار در جستجوی کار باشد. نتیجه حاصل از این روند شکل گیری ارتباط مهمی است بین مهاجرت، سطوح بالای بیکاری، فقر گسترده و تشدید توزیع نابرابر درآمد. راه حل این مشکل از نگاه نظریه پردازان امر توسعه، عبارت است از خلق اشتغال در جوامع روستایی و کم کردن تفاوت دستمزد بین بخشهای مختلف اقتصادی، روستایی و شهری (تودارو، ۱۹۷۶).

با اینهمه: فرایند شهرنشینی را نمی توان جدای از تبعیضهای اجتماعی، تعارض سیاسی، عمل حکومت، و ماهیت سیستم اقتصادی مسلط فهمید. آینده شهرهای جهان سوم بدون سوال درباب اساس تقسیم جهانی کار و علایق دولتهایی که شهرها را اداره می کنند، فهمیدنی نیست (گیلبرت، ۱۹۸۲).

### بحث و نتیجه گیری

از مرور مختصر فوق بر روند تحولات اشتغال و مهاجرتهای روستایی/کشاورزی یک نتیجه مشخص به دست می آید: دهه ۱۳۷۰ - ۱۳۸۰ که هم اینک در آن قرار داریم، آبستن تحولات و دگرگونیهای متعدد و سنگین در پارامترهای اشتغال و مهاجرتهای روستایی است. پیشینی این تحولات در شرایط مفروضی که ادامه روندهای گذشته تلقی شد، نشان می دهد که اشتغالهای روستایی در هیچ شرایطی نمی تواند همپای عرضه نیروی انسانی در جستجوی کار حرکت کند، و همین ماجرا موجب معطل ماندن انبوه بسیار کار خورانه می شود که راهی در پیش ندارند جز اینکه خود را به دیگر بخشهای اقتصادی که عمدتاً متمرکز در نقاط شهری است انتقال دهند. بنابراین، رابطه فرایند توسعه، رشد جمعیت، اشتغال، مهاجرت و شهرنشینی رابطه ای متقابل است، که تحلیل آن رابطه را نمی توان جدای از مسایل مربوط به توازن بین توسعه کشاورزی و غیر کشاورزی و سیاستهای اقتصاد کلان، بررسی کرد. حال با توجه به آنچه آمد، این سوال مطرح می شود که با تغییر روند تحولات گذشته، و اجرای

سیاستهای مربوط به تعدیل اقتصادی، سیمایی که از وضع اشتغال و مهاجرت‌های روستایی / بخش کشاورزی به دست می‌آید، چه تفاوت‌هایی با سیمایی که در نبود شرایط تعدیل ترسیم شد، خواهد داشت. پاسخ به این سوال نیازمند زمان و ادامه پژوهش‌های مربوط است. تجارب جهانی که در گزارشات متعدد پژوهشگران منعکس است، چهره‌ای دوگانه دارد: گاه آثار تعدیل بر اقتصاد کلان و بر بخش کشاورزی، آثاری بسیار مطلوب و مطابق با پیشبینی‌ها گزارش شده است (مثلاً نگاه کنید به گزارشات متعدد کارشناسان بانک جهانی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳)، و گاه آثار حاصله از اجرای تعدیل ناموفق ارزیابی شده است (نگاه کنید به لیری جونز، ۱۹۹۱، راوی را مامورتی، ۱۹۹۱). با اینکه این تضاد نتایج، تا حدی ناشی از باورها یا جانب‌گیری‌های گزارش‌دهندگان است، که عمدتاً از تفاوت حوزه مطالعاتی آنان سرچشمه می‌گیرد. اما هر دو نوع گزارش در یک نقطه اتفاق نظر دارند، تعدیل اقتصادی در فرایند تحقق خود بیش از هر چیز نیروی انسانی اشتغال و مهاجرت‌های روستایی را متاثر می‌سازد. گاه نتایج حاصله در مقایسه با نتایج پیشبینی شده هم درباب فرایند تولید و هم درباب گذرا بودن آثار تعدیل بر اشتغال، مهاجرت و نیز اقشار آسیب‌پذیر آنقدر شدید بوده است که مداخله مجدد دولت را در اموری که تعدیل اقتصادی نفی می‌کند اجتناب‌ناپذیر ساخته است (به تجربه ترکیه، پاکستان و مصر و گزارش‌های کارشناسان بانک جهانی ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، نگاه کنید).

واقعیت آن است که سیاست‌هایی که تعدیل اقتصادی را هدف قرار داده‌اند، آثار شگرفی بر جامعه روستایی / بخش کشاورزی کشور ما برجای می‌گذارند: تعدیل اقتصادی تغییر ساختار اقتصادی و ساز و کار آن را می‌طلبد و این ماجرا مسلماً با نابسامانی‌هایی چند در فرایند زندگی اجتماعی - اقتصادی همراه است که گاه ممکن است چنان شدید باشد که تصمیم‌گیران سیاسی کشور را ناگزیر از تجدیدنظر و یا بازگشت به سیاست‌های حمایت‌گرایی دولتی کند.

سوالی که ذهن دست‌اندرکاران بخش کشاورزی را به خود مشغول کرده است این است که آثار تعدیل بر بخش کشاورزی در چه جهتی عمل می‌کند؟ در پاسخ به این سوال، ابتدا باید مشخص شود که سیاست‌های حمایت‌گرایی گذشته در خدمت رشد و توسعه بخش کشاورزی بوده است یا نه؟ نکته انکارناپذیر این است که سیاست‌های حمایت‌گرا، همیشه از کیسه کشاورزی به نفع رشد بخش‌های صنعت و خدمات خرج کرده‌اند، و این حقیقت انکارناپذیر در واقع سلاح عمده طرفداران سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی است. با توجه به این واقعیت، و شواهد حاصله در دیگر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، تعدیل اقتصادی حداقل در راستای افزایش یا رونق تولید محصولات کشاورزی عمل می‌کند. اما تا رسیدن به این

واقعیت آن است که سیاستهایی که تعدیل اقتصادی را هدف قرار داده‌اند،

آثار شگرفی بر جامعه روستایی-بخش کشاورزی کشور ما بر جای می‌گذارند:

تعدیل اقتصادی تغییر ساختار اقتصادی و ساز و کار آن را می‌طلبد و این ماجرا مسلماً با نابسامانیهایی چند در فرآیند زندگی اجتماعی - اقتصادی همراه است که گاه ممکن است چنان شدید باشد که تصمیمگیران سیاسی کشور را ناگزیر از تجدیدنظر و یا بازگشت به سیاستهای حمایتگر ای دولتی کند.

هدف تنگ راهی وجود دارد که مسلم با تمهیدات مناسب گذر از آن مشکل نخواهد بود. یکی از این تنگ راهها، مساله نیروی انسانی، اشتغال و مهاجرت‌های روستایی و اثراتی است که تعدیل اقتصادی بر آن تحمیل می‌کند. این آثار بویژه در کوتاهمدت گاه بسیار طاقت‌فرساست. در مختصری که از پی می‌آید، مکانیسمهای اثرگذاری تعدیل اقتصادی بر پارامترهای فوق را برمی‌شمارم.

به‌طور کلی، مکانیسمهای انتقال آثار تعدیل اقتصادی بر پارامترهای مهم جمعیتی یعنی اشتغال و مهاجرت را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱) کاهش سطوح دستمزد
- ۲) افزایش قیمت کالاهای مصرفی
- ۳) افزایش قیمت نهاده‌های تولید کشاورزی
- ۴) تغییر الگوی کشت
- ۵) تضعیف بهره‌برداریهای کوچک و محو خود - اشتغالی
- ۶) افزایش تفاوت در آمدی بین شهر و روستا

#### ۱) کاهش سطوح دستمزد

در شرایط تعدیل اقتصادی، سطوح دستمزدها در اثر اجرای مولفه یکسان سازی نرخ ارز کاهش بسیار

می‌یابد. شاهد این ادعا وقایعی است که در سالیان اخیر در رابطه با دستمزدها در کشور رخ داده است. کاهش سطوح دستمزد بویژه در بخش کشاورزی که جهت گیری صادراتی آن سریعتر تحقق می‌یابد، برجسته‌تر و ملموس‌تر است، و به فاصله بیشتر سطوح دستمزد بین شهر و روستا شدت و عمق بیشتری می‌بخشد. همین امر، اشتغال به کار کشاورزی را حداقل در کوتاه مدت خالی از انگیزه می‌کند. بویژه، کارگران ساده کشاورزی در این امر زیان بیشتری را متحمل می‌گردند.

### ۲) افزایش قیمت کالاهای مصرفی

شاغلان بخش کشاورزی علاوه بر اینکه تولیدکننده‌اند، مصرف‌کننده نیز می‌باشند. در شرایط تعدیل که قیمت‌ها آزاد می‌شود تنظیم آن به بازار واگذار می‌گردد. این ماجرا، همراه با دیگر سیاست‌های مربوط به تعدیل قیمت کالاهای مصرفی را به شدت افزایش می‌دهد، و از آنجا که سطوح دستمزد ثابت نگاه داشته شده یا کاهش می‌یابد، نسبت هزینه به درآمد، به سود هزینه بهم می‌خورد. نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی همراه با بقیه جمعیت‌های روستایی ناگزیر از تنظیم مجدد رابطه هزینه - درآمد خواهند شد، و چون این تنظیم در حیطه کار کشاورزی به دست نمی‌آید، لاجرم نگاه‌ها به بیرون از حوزه و بخش کشاورزی برمی‌گردد.

### ۳) افزایش قیمت‌های نهاده‌های کشاورزی و تضعیف بهره‌برداریهای کوچک

تعدیل اقتصادی به افزایش سرسام‌آور قیمت نهاده‌های کشاورزی منجر می‌گردد. این وضعیت با قطع سوبسیدهای دولتی بحرانی‌تر می‌گردد. در چنین شرایطی، بهره‌برداران خرد که عمدتاً فاقد پس‌انداز و سرمایه کافی هستند در تهیه نهاده‌های لازم دچار مشکل می‌گردند. بنابراین نیروی کار خود - اشتغال در این بهره‌برداریها توان ادامه کار کشاورزی را به تدریج از دست می‌دهد. در این حالت یا زمین خود را معطل نگاه می‌دارند، یا واگذار می‌کنند و نیروی شاغل در آنها به دیگر بخش‌های اقتصادی می‌روند.

### ۴) تغییر الگوی کشت

از آنجا که تعدیل اقتصادی جهت‌گیری صادراتی دارد، تولیدات کشاورزی به سمت محصولاتی میل می‌کند که به این مهم تحقق بخشند. بنابراین، الگوی کشت محصولات زراعی و تولیدات باغی تغییر خواهد یافت و متمایل به تولیداتی می‌شود که از مزیت نسبی برخوردار و توان رقابت دارند. این ماجرا سبب جابه‌جایی

نیروی شاغل و تغییر نوع شغل خواهد شد.

### ۵) افزایش شکاف درآمدی بین شهر و روستا

به لحاظ بافت جامعه شهری و تفاوت آن با بافت روستایی، تفاوت دستمزدها در شرایط تعدیل اقتصادی بیشتر خواهد شد. بویژه درآمد مورد انتظار و اسمی در جامعه شهری موجب سرازیر شدن جمعیت روستایی / بخش کشاورزی به جامعه شهری خواهد شد. اما تمرکز شدید فعالیتهای اقتصادی و ثروت در چند شهر بسیار بزرگ که همیشه با رکود فعالیت اقتصادی و کاهش میانگین درآمد روستایی همراه است موجب یک تقابل و مقایسه ذهنی می‌شود، هر چند در شرایط تعدیل نیز میانگین درآمدها در شهر بالاتر است، اما فقر به عنوان یک مشکل جدی در این شهرها بسیار برجسته می‌شود. حال به این سوال باید پاسخ داد که اگر چه عوامل پیش گفته بیکاری و مهاجرت در جامعه روستایی/بخش کشاورزی را تشدید خواهد کرد، اما به فقر فزاینده‌ای که در جامعه شهری رخ خواهد نمود، چگونه باید نگاه کرد؟



### منابع

#### الف) فارسی

- ۱) آلبرتینی، ژ.م. مکانیسمهای از رشد ماندگی، الف.ب. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- ۲) جرنی، مهاجرت و توسعه روستایی، فرهاد ماهر: مرکز تحقیقات روستایی، ۱۳۶۵.
- ۳) کیندل برگر، چارلز، توسعه اقتصادی، رضا صدوقی، تهران، فاروس، ۱۳۵۱.
- ۴) علیزاده، محمد: برنامه‌ریزی و جمعیت در بخش کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۲.
- ۵) مرکز آمار ایران، سرشماری جمعیت، تهران، ۱۳۶۵.
- ۶) مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران، ۱۳۶۵.

(ب) انگلیسی

- Amin, S. Modern Migration. Oxford University Press, 1974.
- Beals, R.E, Levy, M.B, and Moses, L.N. Rationality and Migration and Urban surplus labours, OECD, Paris, 1976.
- Birdsall, N. Analytical approaches to relationship of population growth and development. population and development Review, 3(1), 1977.
- Burgess, R. Key Variables In Social Investigation, London, Routledge and Kegan Paul, 1986.
- Caldwell, Y.C. Determinations of Rural-Urban Migration. population Studies, Vol XXII, 1968.
- F.A.O. The Impact of structural adjustment on small holders, Rome, 1992.
- Hart, K. Informal Income opportunities and Urban employment journal of modern African studies, 11, 1971.
- ILO. Concept of labour Force Underutilization, Geneva, 1971.
- Norton, R. Agricultural Issues in structural Adjustment programmes, Economic and Social development, Rome, F.A.O, 1987.
- Squire, L. Employment policy In developing countries: A survey of issues and Evidence. Oxford University Press for the world bank, 1981.
- Todaro, M. Economic development In the third world. Longman, 1977.

پانوش

- 1) Economic Adjustment
- 2) Equilibrium
- 3) Liberalization
- 4) Privatization
- 5) Employment

۶) P = نماد فرصت‌های شغلی جدیدی است که توسط بخش خصوصی ایجاد می‌شود.